

مرهمی بر زخم های کودکان کار



روی پارچه‌ای بزرگ نوشته بود: «تمام چسب زخم‌هایت را هم که بخرم باز نه زخم‌های من خوب می‌شود نه زخم‌های تو...» با این جمله، خیریه‌ای در حمایت از کودکان خیابانی راه افتاده بود، خیریه‌ای که می‌خواست مرهمی بر دستان پینه‌بسته کودکان کار بزند، اما آیا چند صد خیریه این چنینی می‌تواند دردی از دردهای آنان را دوا کند؟!

جام جم آنلاین: روی پارچه‌ای بزرگ نوشته بود: #171 تمام چسب زخم‌هایت را هم که بخرم باز نه زخم‌های من خوب می‌شود نه زخم‌های تو... با این جمله، خیریه‌ای در حمایت از کودکان خیابانی راه افتاده بود، خیریه‌ای که می‌خواست مرهمی بر دستان پینه‌بسته کودکان کار بزند، اما آیا چند صد خیریه این چنینی می‌تواند دردی از دردهای آنان را دوا کند؟! در کنار خیابان گل می‌فروشد، در کوره آجرپزی خشت می‌زند، در کارگاه کفاشی کفش را با چسب می‌چسباند، فرقی ندارد چه کاری انجام می‌دهد، اما همیشه کار می‌کند.

این در حالی است که کار کودکان در خانه‌ها دیده نمی‌شود، والا تعداد بی‌شماری از کودکان در شرایط بسیار نابسامان کاری و دور از چشم مردم و مسوولان در خانه‌ها مشغول به کار هستند، البته اینها خوب‌ها هستند. کم نیستند کودکانی که کارشان جابه‌جایی مواد مخدر یا... است.

در تعریف جهانی، کودکان کار به کودکان کارگری گفته می‌شود که به صورت مداوم و پایدار به خدمت گرفته می‌شوند. کار کودک نزد بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی فعالیتی استثنائی تلقی می‌شود.

در اغلب کشورهای جهان کار کودکان بسیار معمول است و می‌تواند شامل کار در کارخانه، معدن، کشاورزی، کمک در کسب و کار والدین، داشتن کسب و کار شخصی (مانند فروش غذا) یا کارهای نامتعارف باشد.

ناپذیرفتنی‌ترین شکل‌های کار کودکان، استفاده از تن‌فروشی کودکان است. موارد کمتر جنجالی و معمولاً قانونی (با بعضی محدودیت‌ها) شامل کار کشاورزی در ایام تعطیلی مدرسه (کار فصلی)، کسب و کار خارج از ساعات مدرسه و همچنین بازیگری یا آوازخوانی کودکان است.

مشکلی جهانی

کار کودک در درجات مختلف در طول تاریخ وجود داشته است، اما به شکل فعلی کار کودکان تبدیل به صنعت شده است، صنعتی که با استعمار همراه است.

از قرن 14 تا 17 میلادی اروپا در تب صنعت می‌سوخت که در اثر آن پدیده‌ای به نام ولگردی و کار کودکان به وجود آمد و از بین رفتن کارگاه‌های کوچک و اجبار به کار در کارخانه‌های صنعتی اندک‌اندک مردان را از کارخانه‌ها بیرون و زنان و سپس کودکان را وارد کرد.

اما با آغاز سوادآموزی همگانی تغییراتی در شرایط کار طی صنعتی شدن به وجود آمد و مفاهیم حقوق کارگر و حقوق کودکان مورد نقد و بحث عمومی قرار گرفت. بر اساس آمار سازمان جهانی کار، 14 درصد کل کودکان پنج تا 17 ساله، کودک کار هستند و سالانه ۲۵۰ میلیون کودک پنج تا ۱۴ ساله در جهان محروم از دوران کودکی می‌شوند.

به بیان دیگر از هر هفت کودک در جهان یک نفر کودک کار است. طبق این آمار ۱۲۰ میلیون نفر از این کودکان وارد بازار کار شده و مشغول به کار تمام‌وقت هستند.

۶۱ درصد این کودکان در آسیا، ۳۲ درصد در آفریقا و ۷ درصد در آمریکای لاتین زندگی می‌کنند. قاچاق انسان از راه‌های عمده وارد کردن این کودکان به بازار است. در کشورهای مختلف آمار کودکان کار متفاوت است.

در مالی 63 درصد کودکان 5 تا 14 ساله کودک کار هستند. 38 درصد کودکان در کامبوج و 47 درصد در بورکینافاسو کار می‌کنند. در هند 10 میلیون و 700 هزار، اندونزی دو میلیون و 300 هزار، تایلند یک میلیون و 300 هزار، ترکیه 2 میلیون و 100 هزار، برزیل 2 میلیون و 900 هزار، پاکستان یک میلیون و 700 هزار و ایالات متحده 3 میلیون نفر کودک کار مشغول فعالیت‌های اقتصادی هستند.

البته پدیده کودکان کار در کشوری همچون آمریکا نیز به چشم می‌خورد. در حدود 500 هزار کودک در حال کار در مزارع آمریکا هستند

و قانون حمایت از این افراد از قبل از جنگ جهانی دوم تا به امروز دستخوش تغییر نشده است.

این گروه را کودکانی تشکیل می‌دهند که غالباً از گروه مهاجرانی بوده‌اند که به طور غیر قانونی از آمریکای لاتین به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. در ایران و در سال 1385 بر اساس آمار رسمی، یک میلیون و 700 هزار کودک به صورت مستقیم درگیر کار بوده‌اند.

همچنین در کشور ما 915 هزار کودک با عنوان «#171;کودک خانه‌دار»؛ توسط مرکز آمار ایران ثبت شده‌اند که حدود 904 هزار نفر از آنها را دختران و مابقی را پسران تشکیل می‌دهند.

مشکلی برای اجتماع

کار کودک ممکن است در کوتاه مدت برای کارفرما یا خانواده سودآور باشد، اما در بلندمدت هزینه‌های اجتماعی همچون فرسایش زود هنگام سلامتی و روان کودک، محروم ماندن از آموزش که به تهدید امنیت جامعه منجر می‌شود، کاهش توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه را در بر خواهد داشت.

محرومیت از آموزش به کاهش مهارت نیروی انسانی، کاهش انباشت سرمایه انسانی، درآمد ملی و سطح زندگی و فقر منجر خواهد شد.

از سوی دیگر کودکانی که جذب بازار کار می‌شوند، بزرگسالان را از اشتغال محروم می‌کنند و موجب بیکاری آنان می‌شوند.

بدرپرست‌ها

درصدی از کودکان کار را کودکان بدرپرست تشکیل می‌دهند. گاهی خانواده‌ها به دلیل فقر اقتصادی یا فرهنگی، کودکان خود را فروخته یا اجاره می‌دهند یا خود آنها را برای تکدیگری مورد استفاده قرار می‌دهند.

این مساله در بین خانواده‌هایی که سرپرست آنان اعتیاد دارد بیشتر دیده می‌شود. کودکان بدرپرست از جمله اقشار ضعیف و نیازمند کمک در جامعه هستند که به خاطر سوء نگرش مردم از دریافت کمک محروم می‌شوند.

نکته: بسیاری معتقدند در کنار موفقیت‌هایی که دست آمده، طرح ساماندهی کودکان کار طرحی شکست خورده است. مهم‌ترین دلیل آن نیز چندمتولی بودن، مشخص نبودن گروه هدف و نحوه ساماندهی این کودکان است. در قانون مدنی چند بند به سرپرستی کودکان و وظایف والدین اختصاص دارد. در آن مقرر شده حضانت کودک، از والدینی که فرزندشان را به تکدیگری و شغل‌های خیابانی وا دارند، گرفته می‌شود.

البته اثبات این موضوع کار بسیار دشواری است. بخصوص این‌که براساس قانون، باید طرح شکایت از طرف کودک (ولی قانونی او) صورت پذیرد. حق اقامه دعوا فقط برعهده قیم و ولی کودکی است که معمولاً خود او کودک را به کار سپرده است.

قانونی برای کار کودکان

در ایران ماده 79 قانون کار اشتغال به کار کودکان زیر 15 سال را ممنوع دانسته است. البته در قانون کارگران کارگاه‌های خانوادگی که کارفرماهای آنها، همسر و خویشاوندان نسبی درجه یک آنها باشند، مشمول قانون کار نبوده، در نتیجه حداقل سن کار در مورد چنین کارگرانی رعایت نمی‌شود.

از سوی دیگر ماده 84 قانون کار پیش‌بینی کرده است که در مشاغل و کارهایی که ماهیت آن برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان‌آور است، حداقل سن کار 18 سال تمام خواهد بود که تشخیص این امر با وزارت کار و امور اجتماعی است.

براساس قانون کار اگر یک کارفرما کودک زیر 15 سال را به کار بگیرد، متخلف خواهد بود و برای نخستین بار مجازات نقدی، بار دوم مجازات نقدی و حبس و برای بار سوم علاوه بر این موارد، محل کارخانه یا کارگاه پلمب خواهد شد و پروانه کار فرد متخلف ابطال می‌شود.

اصلاح خانواده

تا مشکلات اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و مسائل روانی - زیستی وجود دارد، کودک کار و خیابان نیز وجود خواهد داشت و افزایش خواهد یافت، چرا که اگر در جامعه‌ای این چهار عامل با هم اصلاح نشوند، هرگز به‌تنهایی اصلاح نخواهند شد. مشکل کودکان کار و خیابان را باید در قالب خانواده‌هایشان دید.

به همین دلیل باید پیگیری و حمایت و نظارت لازم نسبت به خانواده این کودکان انجام شود تا بتوان اقدامات موثری را در این حیطه شاهد بود و مشکل دیگر در این زمینه هم حس ترحم مردم نسبت به این کودکان است که به خاطر این حس مبالغی را به این کودکان کمک می‌کنند، در حالی که مردم اگر می‌خواهند کمک ایشان در زندگی این کودکان موثر باشد، باید در قالب موسسه‌های خیریه و به گونه‌ای سازمان یافته کمک کنند.

آنچه در جهت حفاظت از کودکان می‌تواند عامل حمایت‌کننده محسوب شود دلبستگی‌ها و داشتن احساس مثبت نسبت به افراد خانواده، دوستان یا نهادهای مذهبی و اجتماعی است.

زیباسازی بصري

یکی از مشکلات کودکان خیابانی نگرش مسوولان نسبت به آنان است، اقدام مسوولان بیشتر متوجه پاک کردن ظاهر شهرها از حضور کودکان کار و خیابان است، به همین خاطر از واژه‌هایی نظیر جمع‌آوری درباره این کودکان استفاده می‌کنند.

اگر نهادهای مسوول تنها قصد پاک کردن ظاهر چهره شهرها از وجود این کودکان را ندارند، می‌توانند از تجارب بسیار موفق دنیا بهره ببرند و به جای صرف بودجه‌های میلیاردی که تلف می‌شود، اقدامات اساسی برای آموزش و توانمندسازی این کودکان و خانواده‌های آنها صرف کنند.

اقدامات بهزیستی

بنا بر اعلام سازمان بهزیستی 7 هزار کودک کار و خیابان در سال گذشته ساماندهی شد. سازمان بهزیستی آمار کودکان کار و خیابان را 20 هزار نفر می‌داند.

بنابر همین اطلاعات بیش از 30 درصد از این کودکان، افغان هستند و بیش از نیمی از این کودکان هم در تهران به سر می‌برند. در بسیاری از موارد پس از جمع‌آوری کودکان افغان خانواده آنان با در دست داشتن برگه اقامت به مراکز مراجعه و قبل از ورود کودک به مراکز او را تحویل می‌گیرند.

البته آن 70 درصد کودکان که دارای خانواده هستند، نیز پس از ساماندهی طبق حکم قاضی به خانواده‌های خود سپرده می‌شوند، بر همین اساس امکان بازگشت مجدد این کودکان به خیابان‌ها وجود دارد.

به گفته کارشناس کودکان کار و خیابان سازمان بهزیستی وزارت آموزش و پرورش بیشترین همکاری را در زمینه باسواد کردن این کودکان با سازمان بهزیستی دارد و در سال گذشته برای سوادآموزی حدود 700 کودک اقدام شده و 500 مورد حرفه‌آموزی هم برای کودکان انجام شده است و 4 هزار کودک هم خدمت عمده دریافت کرده‌اند.

مراکز ساماندهی کودکان کار و خیابان به دنبال گسترش پدیده کودکان کار و خیابان در سال 78 تشکیل شد. تا پایان سال 79 در تمام مراکز استان‌ها مراکز ساماندهی کودکان کار و خیابان با هدف کنترل و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از زندگی و کار کودکان در خیابان ایجاد شدند.

در این راستا هم اکنون 39 مرکز ساماندهی کودکان کار و خیابان سازمان بهزیستی در سراسر کشور فعالیت می‌کنند. طبق اعلام مسوولان سازمان بهزیستی این مراکز به دنبال پاک کردن صورت مساله نیستند، بلکه هدف کاهش عوارض حضور در خیابان برای کودکان، خانواده و جامعه و پیگیری از آن است و به همین دلیل خانواده و جامعه را مدنظر قرار دادند.

بسیاری معتقدند در کنار موفقیت‌هایی که دست آمده طرح ساماندهی کودکان کار، طرحی شکست خورده است. مهم‌ترین دلیل آن نیز چندمتولی بودن، مشخص نبودن گروه هدف و نحوه ساماندهی این بچه‌هاست.

کار می‌کنم، پس هستم

رنه دکارت معتقد بود می‌اندیشم پس هستم، اما برای کودکان کار تنها کارکردن عامل بودن است. اینها نه کودکی دارند و نه اسباب‌بازی تنها کار دارند. بودن اینها بسیار ساده است. فقط کار کردن علت بودنشان است. کار کردن و در حسرت مهرورزی دیگران ماندن.

کودک‌انی که با دست‌های کوچک قلب‌های بزرگی دارند و وقتی غذا و خوراکی دارند آنها را با همدیگر تقسیم می‌کنند، مهم نیست مقدارش کم باشد مهم این است که همه سیر شوند.

علی‌اخوان بهبهانی - جام‌جم